

گفت و گو بجز بدبختی است

گفت و گو با جلیل غدیری،
معلم و نویسنده پیشکسوت گیلانی



جلیل غدیری در یک نگاه

جلیل غدیری متولد سال ۱۳۴۰ در سال ۱۳۶۰ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. لیسانس ادبیات راز دانشگاه آزاد اسلامی واحد گیلان/رشت و فوق لیسانس راز دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد/اصفهان در سال ۱۳۷۳ اخذ نمود و هم‌اکنون ۲۹ سال سابقه کار دارد. از وی چندین کتاب چاپ شده است:

الف: فرهنگ گویش محلی رامسری، فرهنگ هفت پیکر، عروض «سلسله جنیان شکوهمند ادب فارسی»، فارسی عمومی «کاروان حله»، شرح فارسی عمومی و مقالات یک فعل با دو نام دستوری، پیراهن یوسف صدیق (ع)، آموزش ترسیم آرایه‌های ادبی در مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی. ده سال سرگروه ادبیات فارسی و عضو کمیسیون و مدرس چندین آموزشگاه است.

۴. داشتن وقار و طمأنینه شخصیتی و گذشت و ایثار.
۵. شناختن اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی روزگاری که در آن فضا، متنی نوشته یا سروده شده است؛ تا نحوه و میزان تأثیر عوامل در پیچیدگی متون ابتدا شناخته شده و زمینه مناسبی برای راه‌حل‌های ممکن، در رفع آن طراحی شود و وصایای انسان‌های بزرگ به زبان معیار تبدیل شود.
۶. پرهیز شدید و اکید از متکلم وحده شدن معلم و تأکید بر مدیریت زمان و آموزش و اشراف بر مراحل تدریجی کشف و تغییر نگاه فراگیر برای نهادینه‌شدن سجایا و فضایل و مکارم اخلاقی.

● چه روش‌های بدیعی در تدریس داشته‌اید؟

● نحوه ارائه مطلب موضوع درسی در کلاس درس برایم خیلی اهمیت دارد چون راهی جز این برای بالابردن زمان ماندگاری درس تازه وجود ندارد. اگر تصور کنیم که در مقابل سؤال، پاسخ قرار دارد در این صورت فاصله بین آن سؤال و پاسخ را ندیده‌ایم و آن روش رسیدن به پاسخ است که فراگیر را برای موفق شدن در شرایط آزمون جدید، سربلند می‌نماید حتی اگر بخواهد به سؤال جدیدی پاسخ دهد. همیشه سعی کردم از بیرون فضای کلاس شاهدی ضمیمه تدریس نمایم تا در غیاب من آن شاهد، تداعی گر درس و بحث و کلاس و معلم باشد و این شاهد مثال ممکن است یک شکل هندسی یا گویش بومی مردم آن منطقه به منظور تطبیق باشد.

● نظیر: استفاده از دو دایره محیط و محاط (متداخل) برای آموزش تضمن، یا فلش در تدریس دستور، به عنوان مثال اگر بگوییم: می‌بینم اول شخص مفرد مضارع اخباری است فقط به یک سؤال جواب داده‌ایم اما این که چه ربطی اجزای فعل با نام خود دارد موضوعی دیگر است.

(می = اخباری. ۱) + (بین = مضارع. ۲) + (م = اول شخص مفرد. ۳) در نام‌گذاری ابتدا مورد (۳) را آوریم سپس مورد (۲) و سرانجام مورد (۱) را. یعنی اتفاقی که هنگام نام‌گذاری در ذهن می‌افتد یعنی کاملاً برعکس. موضوعی که جایی بدان اشاره نشده است.

نیز با یادگیری گویش مازندرانی هنگامی که دبیر مازندرانی بودم یا با یادگیری مختصری گویش تالشی، وقتی دبیر ادبیات رشت بودم توانستم با استفاده از گویش، به دلیل ایجاد یک هم‌حسی وطنی، خود را به دانش‌آموزان نزدیک نموده گاهی هم به عنوان شاهد مثال، رغبتشان را برای یادگیری زیاد نمایم.

● معلم موفق را چگونه تعریف می‌کنید؟

● معلم موفق کسی است که همیشه به فکر خودسازی باشد به مصداق کلام امام مؤمنان علی (ع) که: «مَنْ أَصْلَحَ سَرِيرَتَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عَالَمِيَّتَهُ» برای الگو شدن، باید مستندبازی کرد نه فیلم و گرنه باوری ایجاد نمی‌شود. دیگر این که باید او مهربان باشد و با تألیف قلوب و در آن فضای محبت‌آمیز، افاضه نماید علم و به‌خصوص آموختن آن مقدس است و یادگیری یک امر اتفاقی نیست که بر در بخت و اقبال منتظر معجزه بنشینیم. باید آموختن را اراده نماییم و ذات احدیت نیز کمک خواهد نمود. نیز او باید به درس و بحث‌های پیرامونی مسلط باشد تا هم مقام خود را نزد فراگیر حفظ نماید و هم دین خود را ادا نماید.

● ویژگی‌های بایسته دبیر ادبیات چیست؟

● برخلاف موضوع تدریس همه دبیران، دبیر ادبیات در کلاس درس باید موضوعات مورد اهمیت روزگار گذشته را به فراگیران معرفی نماید تا بتواند آن‌ها را به باور تبدیل نماید، باورهای نیکویی که از زبان پیامبران سخن در شاهنامه و گلستان و بوستان سیرت ستوده تلقی می‌شود چون ریشه در آیات قرآن و احادیث و کلام معصومین (ع) دارد و هم محمل اندیشه بزرگان بوده است.

از جمله توانایی‌های دبیر ادبیات:

۱. تسلط به درست و روان خوانی متون ادب فارسی.
۲. شناخت زیبایی‌های زبانی و ادبی.
۳. داشتن سیرت‌های ستوده.

● از خاطرات به یاد ماندنی دوران معلمی نمونه‌ای را ذکر کنید.

● در برنامه‌ریزی مدرسه کلاس‌های ادبیات، قبل از حضورم به خاطر مأمور به تحصیل شدن به خاطر دوره دانشجویی و دوندگی‌هایش پر می‌شود و به ناچار مأمور افاضه، به عنوان استاد جغرافی می‌شوم. جلسه اول استاد موصوف، با دیدن مساحت ایران که ارقامش بیش از شش تا بود هراسان سیگنال‌های ذهنش هنگ نموده و برای پر کردن وقت کلاس به معرفی ادیبان و شاعران و نویسندگان تاریخ بشریت می‌پردازد تا اعتبار استادی او لکه‌دار نشود و اساساً او را از جرگه علمای جغرافیا خارج ندانند؛ که ناگهان تیر دو شاخ از جنس گز «آقا خلیج یعنی چه؟» از گوشه کلاس به سوی پیکر روئین‌تن استاد نشانه می‌رود که به چاره‌اندیشی سیم‌رغ ناگزیری، به طوری بسیار مرموز و جسورانه و با قیافه‌ای بسیار عالمانه، جا خالی داده با حرکتی شایسته و پاسخی بایسته آن‌گونه که مرام دانایان است پاسخ آن را به پایان بحث کلاس موقوف می‌نماید به این امید که تیر رها شده، کمانه کرده و با پایان یافتن زمان کلاس، پاسخ به جلسه بعد داده آید تا اعتبار استادی محفوظ بماند و ایشان نیز با سپر بربیان فرهنگ معین، خود را برای نبرد، آورد، رزمی و هفته‌های دیگر طوری آماده نماید که اساساً برای دریافت معنی اصطلاحات جغرافیا، بعد از این معضلی باقی نماند و یا خدای نکرده مقام شامخ استادی با تردید فراگیران خدشه‌دار نگردد.

مطابق انتظارم وقتی صدای دلنشین و روح‌نواز زنگ پایان کلاس نواخته شد دود نگرانی که استاد را وادار به اشاعه بحث‌های بی‌ربط و ضبط کرده بود به کناری رفت و فراگیر علاقه‌مند به درس شیرین جغرافیا، با شتابی نه چندان حکیمانه ابتدا حیاط و سپس خیابان را طی نموده و سرانجام آن اندازه از شعاع نگاه استاد فاصله گرفت تا این‌که به ریزی بذری از نظر محو شد و بذر شادی و سرور را در دل استاد کاشت.

استاد یاد شده که خستگی و گرسنگی را از یاد برده بود و خود را به سرعت به خانه و فرهنگ معین رساند و روح تشنه را از جویبار معنی «خلیج» چنان سیراب نمود که تاکنون آن گوارایی، چون شربت زمزم در نبردهای مشابه دم‌به‌دم، همچنان کارساز آمده است.

جلسه بعد با نگاهی تفخیم‌آمیز چون آنانی که هنگام سخن، عینک را به سوی پرتگاه بینی می‌رانند خلیج را چنان معنی نمود که بکوبند بر پتک آهن‌گران، تا کشف نشود او معین دارد و به این ترتیب، همه را طوری مسحور علم لایزال خود نمود که ریب باطن همگان به طیب خاطر بندگان بدل گشت و حضرت ایشان تعهد نمود تا دیگر بار، بی‌اذن بزرگان علوم فاخره، سر از پستویشان در نیابد و اعتبار و وجهه معلمی خود را به مخاطره نیاندازد؛ و شیرین‌تر از آن این‌که واژگانی چون «صحت»، «سقم» و «یافتن جای کشوری بیگانه روی کره جغرافیا» نیز ...

● مهم‌ترین شاخصه‌های، محاسن و معایب، کتاب‌های درسی؟

● محاسن: تطابق تعداد درس‌ها با زمان موجود طول ترم، داشتن فعالیت، تمرینات و حفظ شعر، توجه به سرمایه‌ها و میراث‌های ادبی از شعر و نثر به خاطر اشتغال به سندهای اجتماعی و سجایا و مکارم اخلاقی، قطع وزیری بودن، فونت و تصاویر مناسب، وجود اهداف کلی آموزش ابتدای درس.

معایب: عدم تطابق حجم بعضی درس‌ها نسبت به زمان موجود در کلاس، نبود کتاب طرح درس برای همه درس‌ها برای یکنواخت نمودن شیوه‌های تدریس، وجود درس‌های دستور و زبان فارسی، وجود کتاب آرایه و عروض در سال سوم و چهارم، نبود تمرین‌های جدی‌تر از آسان به مشکل، وجود تمرینات دستور در تمرینات مربوط به درس زبان فارسی و برعکس، نبود معرفی منابع ذیل هر درس برای آشنایی بیشتر.

● نظر تان در مورد مجله رشد زبان و ادب فارسی چیست؟

● اگر مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی متناسب با زمان پیش نمی‌رفت به میان سالی نمی‌رسید از محاسنش این است که چون پنجره‌های مشبک و زیبای بازی است که از بنای رفیع ادب فارسی برای همه گشوده است. به دلیل عنایتی که به بحث‌های روز در آن می‌شود مجله را به پناهگاه امنی تبدیل نموده تا پاسخ بسیاری از سؤالات در آن جسته شود. نگاه‌های تازه، زوایای نو و تازه‌های ادبی که محصول زندگی با نسل جدید است در این مجموعه حلقه زنجیری می‌شود تا معاصرین با سنت‌های دیرین آشنا شوند و به خود ببالند.

● یکی از آثار شاخص خود را معرفی نمایید.

● یکی از آثارم «فرهنگ گویش محلی رامسری» است که در سال ۱۳۸۶ در انتشارات راه ابریشم تهران به زیور طبع آراسته شد. از ویژگی‌های این کتاب با ۳۸ صفحه مقدمه و ۳۳۸ صفحه متن که در آن ۷۵۰۰ واژه گویش محلی رامسری به ترتیب ذیل به فارسی برگردانده شده است. (واژه + نوع دستوری + آوانگاری + معادل فارسی و گاهی هم کنایی). به صورت دو ستون شبیه فرهنگ معین با صرف ۶ سال وقت شبانه‌روزی به انجام رسید. از جمله ویژگی‌های دیگر این کتاب دو سویه بودن کتاب است که تمام واژگان از صفحه ۲۴۶ به بعد به صورت فارسی به رامسری برای غیربومی‌ها، تنظیم شده است. و هم اکنون برای تدوین جلد دوم ۵۰۰۰ واژه فراهم شده است و پیش‌بینی‌ام این است که ظرفیت زبان محلی رامسری تا مرز ده جلد و ۷۵۰۰۰ واژه است و به اندیشه تدوین باقی واژگان همتی مقصور گردانده‌ام.

● یک پیشنهاد: از تمام درس‌ها power point تدریس روان خوانی یا درست‌خوانی و مباحث ادبی فراهم شده و در سایتی در اختیار دبیران قرار بگیرد.